

۳۳۰ لغت پایه

در تهیه این لغات سعی شده است که لغات ضروری و پایه که بیشتر برای درک جملات و متون به کار می روند آورده شود. از لغات این بخش به عنوان مقدمه ای برای بخش درک مطلب و همچنین برای استفاده در بخش شنیداری (نوانایی ترجمه سوالات و گزینه ها) می توان بهره برد. سعی بر این بوده است به نحوی تنظیم گردد که لغات با معنی یکسان و یا مشابه به طور متوالی و با ترجمه فارسی پشت سر هم قرار گیرند.

No	WORD	MEANING
۱	invite	دعوت کردن
۲	introduce	معرفی کردن
۳	main	اصلی
۴	provide	تهیه کردن، ارائه دادن
۵	improve	بهبود بخشیدن، پیشرفت کردن
۶	develop	ایجاد کردن، توسعه دادن
۷	friendly	دوستانه
۸	relationship	رابطه، ارتباط
۹	coworker	همکار
۱۰	separate	جدا کردن، جدا
۱۱	organize	مرتب/ ساماندهی کردن
۱۲	arrange	هماهنگ کردن
۱۳	attend	شرکت کردن
۱۴	participate	شرکت کردن
۱۵	delay	تاخیر، تأخیر کردن
۱۶	issue	مشکل، موضوع
۱۷	subject	موضوع
۱۸	related	مربوطه، مرتبط
۱۹	priority	اولویت

۲۰	discussion	گفت‌و‌مان، مباحثه
۲۱	negotiation	مذاکره
۲۲	effective	موثر
۲۳	comfortable	راحت
۲۴	convenient	مناسب و راحت
۲۵	appropriate	مناسب
۲۶	suitable	مناسب
۲۷	representative	نماینده
۲۸	presentation	معرفی
۲۹	valuable	ارزشمند
۳۰	sufficient	کافی
۳۱	enough	کافی
۳۲	available	موجود
۳۳	prepare	آماده کردن
۳۴	translate	ترجمه کردن
۳۵	document	سند
۳۶	persuade	مجاب کردن
۳۷	convince	قانع کردن، مجاب کردن

۳۸	logical	منطقی
----	---------	-------

۳۹	reasonable	منطقی
۴۰	conditions	شرایط
۴۱	include	شامل شدن
۴۲	involve	شامل شدن، درگیر بودن
۴۳	sign	امضا کردن
۴۴	agree	موافقت کردن
۴۵	accept	پذیرفتن
۴۶	refuse	رد کردن
۴۷	admit	پذیرفتن
۴۸	mistake	اشتباه
۴۹	apologize	پوزش خواستن
۵۰	avoid	اجتناب کردن
۵۱	misunderstanding	سوء تفاهم
۵۲	forgive	بخشیدن
۵۳	ignore	نادیده گرفتن
۵۴	effect	تاثیر
۵۵	wonderful	عالی
۵۶	excellent	عالی
۵۷	encourage	تشویق کردن
۵۸	discourage	دلسرد کردن

۵۹	criticize	سرزنش کردن
۶۰	annoy	ناراحت کردن
۶۱	bother	مزاحم شدن
۶۲	tolerate	تحمل کردن
۶۳	important	مهم
۶۴	urgent	فوری
۶۵	solve	حل کردن
۶۶	solution	راه حل
۶۷	consult	مشورت کردن
۶۸	online	تو اینترنت
۶۹	register	ثبت نام کردن
۷۰	enable	قادر ساختن
۷۱	remind	پادآوری کردن
۷۲	renew	تمدید کردن
۷۳	membership	عضویت
۷۴	allow	اجازه دادن
۷۵	mention	ذکر کردن
۷۶	alternative	مورد جایگزین
۷۷	suggest	پیشنهاد دادن
۷۸	recommend	پیشنهاد دادن

نتیجه	conclusion	۷۹
-------	------------	----

مهم	significant	۸۰
شناسایی کردن	identify	۸۱
-	consider	۸۲
بررسی کردن، لحاظ کردن		
برنامه، برنامه ریزی کردن	plan	۸۳
مشخص کردن	determine	۸۴
روند، روال	procedure	۸۵
بودجه	budget	۸۶
اجرا کردن	implement	۸۷
ضروری	necessary	۸۸
حرفه، شغل	occupation	۸۹
حرفه، شغل	career	۹۰
معمول	regular	۹۱
دایم	permanent	۹۲
موقت	temporary	۹۳
بیکاری	unemployment	۹۴
روبرو شدن	encounter	۹۵
فشار	pressure	۹۶
معمول	common	۹۷

۹۸	limit	محدود کردن
۹۹	restrict	محدود کردن
۱۰۰	option	انتخاب

۱۰۱	obligation	اجبار
۱۰۲	compulsory	اجباری
۱۰۳	prevent	جلوگیری کردن
۱۰۴	interested	علاقه‌مند
۱۰۵	enthusiastic	علاقه‌مند
۱۰۶	education	آموزش، تحصیلات
۱۰۷	knowledge	دانش
۱۰۸	ability	توانایی
۱۰۹	access	دسترسی
۱۱۰	achieve	بدرست آوردن، رسیدن
۱۱۱	accomplish	بدرست آوردن، رسیدن
۱۱۲	challenging	کشوار
۱۱۳	talent	استعداد
۱۱۴	certificate	گواهینامه، مدرک
۱۱۵	graduate	فارغ التحصیل شدن
۱۱۶	according to	مطابق با

۱۱۷	survey	تحقيق، مطالعه
۱۱۸	familiar	آشنا
۱۱۹	compare	مقایسه کردن
۱۲۰	response	پاسخ
۱۲۱	strange	عجیب

۱۲۲	religion	مذهب
۱۲۳	politics	سیاست
۱۲۴	support	حمایت کردن-
۱۲۵	election	انتخابات
۱۲۶	competition	رقابت
۱۲۷	omit	حذف کردن
۱۲۸	violent	وحشیانه
۱۲۹	behavior	رفتار
۱۳۰	occupy	اشغال کردن، گرفتن
۱۳۱	economy	اقتصاد
۱۳۲	industry	صنعت
۱۳۳	illegal	غیرقانونی
۱۳۴	deny	رد کردن

۱۳۵	inflation	تورم
۱۳۶	sanction	تحریم
۱۳۷	ustify	توجیه کردن
۱۳۸	announce	اطلاع دادن
۱۳۹	survive	زنده ماندن
۱۴۰	freedom	آزادی
۱۴۱	impossible	غیر ممکن
۱۴۲	dangerous	خطرناک

۱۴۳	individual	فردی
۱۴۴	population	جمعیت
۱۴۵	generation	نسب
۱۴۶	remain	باقی ماندن
۱۴۷	determined	مصمم
۱۴۸	ob ect	اعتراض کردن
۱۴۹	protest	اعتراض کردن
۱۵۰	complain	اعتراض کردن
۱۵۱	emphasize	تاکید کردن
۱۵۲	cooperation	همکاری
۱۵۳	connect	ارتباط دادن

۱۵۴	progress	پیشرفت، پیشرفت کردن
۱۵۵	create	خلق کردن
۱۵۶	atmosphere	جو، محیط
۱۵۷	attention	توجه
۱۵۸	appreciate	قدردانی کردن
۱۵۹	attitude	دیدگاه
۱۶۰	comment	نظر
۱۶۱	advice	توصیه، نصیحت
۱۶۲	communicate	ارتباط برقرار کردن
۱۶۳	through	بوسیله ی
۱۶۴	via	بوسیله ی
۱۶۵	by means of	بوسیله ی
۱۶۶	particular	- خاص، ویژه
۱۶۷	specific	خاص، ویژه
۱۶۸	rules	قوانین
۱۶۹	punishment	تنبیه
۱۷۰	resist	پایداری کردن
۱۷۱	release	رها کردن
۱۷۲	congratulations	تبریک
۱۷۳	environment	محیط

۱۷۴	climate	آب و هوا
۱۷۵	weather	هوا
۱۷۶	positive	مثبت
۱۷۷	features	ابعاد، ویژگی ها
۱۷۸	aspect	جنبه
۱۷۹	advantage	خوبی
۱۸۰	concentration	تمرکز
۱۸۱	goal	هدف
۱۸۲	target	هدف
۱۸۳	control	کنترل کردن، کنترل
۱۸۴	efficient	کارآمد
۱۸۵	independent	مستقل
۱۸۶	dependent	وابسته
۱۸۷	pollution	آلودگی
۱۸۸	damage	آسیب زدن
۱۸۹	destroy	خراب کردن
۱۹۰	disaster	فاجعه، مصیبت
۱۹۱	emotional	احساساتی، احساسی
۱۹۲	performance	عملکرد، اجرا
۱۹۳	employee	کارمند

۱۹۴	evaluate	ارزیابی کردن
۱۹۵	produce	تولید کردن
۱۹۶	reduce	کاهش دادن
۱۹۷	decrease	کاهش دادن
۱۹۸	increase	افزایش دادن
۱۹۹	amount	مقدار
۲۰۰	quantity	مقدار
۲۰۱	quality	کیفیت
۲۰۲	qualified	واجد شرایط
۲۰۳	staff	کارکنان
۲۰۴	personnel	کارکنان
۲۰۵	manner	منش، رفتار

۲۰۶	hospitality	مهمان نوازی
۲۰۷	variety	تنوع
۲۰۸	various	گوناگون
۲۰۹	distribution	توزیع
۲۱۰	method	متد، روش
۲۱۱	guarantee	تضمین کردن، ضمانت
۲۱۲	location	جا، مکان

۲۱۳	advertisement	آگهی
۲۱۴	establish	ایجاد کردن
۲۱۵	contact	ارتباط برقرار کردن، ارتباط
۲۱۶	impress	شگفت زده کردن
۲۱۷	customer	مشتری
۲۱۸	satisfied	خشنود
۲۱۹	purchase	خرید، خرید کردن
۲۲۰	afford	توان پرداخت داشتن
۲۲۱	offer	پیشنهاد دادن، پیشنهاد، تعارف کردن
۲۲۲	discount	تخفیف
۲۲۳	bargain	چانه زدن
۲۲۴	basic	پایه، اصل، ابتدایی
۲۲۵	factor	عامل
۲۲۶	profitable	مبودمند
۲۲۷	benefits	مزایا
۲۲۸	require	ملزم کردن
۲۲۹	schedule	برنامه
۲۳۰	affairs	امور
۲۳۱	calculate	محاسبه کردن
۲۳۲	predict	پیش بینی کردن

۲۳۳	opportunity	فرصت
۲۳۴	invest	سرمایه گذاری کردن
۲۳۵	estimate	تخمین زدن
۲۳۶	approximately	در حدود
۲۳۷	divide	تقسیم کردن
۲۳۸	income	درآمد
۲۳۹	transfer	انتقال دادن
۲۴۰	deposit	واریز کردن، پیش پرداخت
۲۴۱	suppose	فرض کردن
۲۴۲	imagine	تصور کردن
۲۴۳	crisis	بحران
۲۴۴	financial	مالی
۲۴۵	overcome	پیروز شدن، چیره گشتن
۲۴۶	charity	خیریه
۲۴۷	insurance	بیمه
۲۴۸	explode	انفجار
۲۴۹	immediately	فورا
۲۵۰	extinguish	خاموش کردن
۲۵۱	unfortunately	متأسفانه
۲۵۲	lack	کمبود

۲۵۳	shortage	کمبود
۲۵۴	facilities	امکانات
۲۵۵	equipment	تجهیزات
۲۵۶	accommodation	محل اقامت
۲۵۷	adapt	ووفق دادن
۲۵۸	ad ust	ووفق دادن
۲۵۹	unfair	ناعادلانه
۲۶۰	disappointed	نا امید
۲۶۱	frustrated	مایوس
۲۶۲	crime	جرم
۲۶۳	attempt	تلاش، تلاش کردن
۲۶۴	murder	قتل
۲۶۵	frightening	ترسناک
۲۶۶	suspicious	مشکوک
۲۶۷	court	دادگاه
۲۶۸	justice	عدالت
۲۶۹	judgement	قضایات
۲۷۰	pretend	و انمود کردن
۲۷۱	explain	- توضیح دادن
۲۷۲	acceptable	قابل قبول

۲۷۳	prove	ثابت کردن
۲۷۴	investigate	تحقیق و بررسی کردن
۲۷۵	depend	بستگی داشتن
۲۷۶	psychological	روان شناختی، روانی
۲۷۷	depressed	افسرده
۲۷۸	exception	استثناء
۲۷۹	occur	اتفاق افتادن
۲۸۰	happen	اتفاق افتادن
۲۸۱	witness	شاهد
۲۸۲	confirm	تایید کردن
۲۸۳	finally	سرانجام
۲۸۴	recognize	شناختن
۲۸۵	realize	فهمیدن
۲۸۶	suffer	رنج بردن
۲۸۷	unbelievable	باور نکردنی
۲۸۸	natural	طبیعی
۲۸۹	tendency	تمایل

۲۹۰	permission	اجازه
۲۹۱	approval	رضایت، تایید

۲۹۲	celebrate	جشن گرفتن
۲۹۳	marry	ازدواج کردن
۲۹۴	respect	احترام گذاشتن
۲۹۵	prefer	ترجیح دادن
۲۹۶	responsibility	مسئولیت
۲۹۷	distinguish	فهمیدن
۲۹۸	huge	بزرگ
۲۹۹	difference	فرق
۳۰۰	opinion	عقیده
۳۰۱	idea	ایده، فکر
۳۰۲	impose	تحمیل کردن
۳۰۳	quarrel	نزاع
۳۰۴	argue	مشاجره
۳۰۵	divorce	طلاق
۳۰۶	funeral	تدفین
۳۰۷	ceremony	مراسم
۳۰۸	sympathize	همدردی کردن
۳۰۹	property	اموال
۳۱۰	misfortune	بد شانس

۳۱۱	disease	بیماری
۳۱۲	sick	بیمار
۳۱۳	illness	بیماری
۳۱۴	blood	خون
۳۱۵	unconscious	بی‌هوش
۳۱۶	pain	درد
۳۱۷	painkiller	مسکن
۳۱۸	appointment	قرار ملاقات
۳۱۹	examine	معاینه/بررسی کردن
۳۲۰	temperature	دما
۳۲۱	medicine	دارو، پزشکی
۳۲۲	diet	رژیم
۳۲۳	contain	دارای چیزی بودن
۳۲۴	nutrition	خوراک
۳۲۵	healthy	سالم
۳۲۶	strengthen	قوی کردن
۳۲۷	breath	نفس
۳۲۸	breathe	نفس کشیدن

٣٢٩	honest	صادق
٣٣٠	patient	صبور